

# Explaining a Model of "Philosophy for Children" to Teach Critical Thinking in the Framework of Islamic Education

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

### Aurhors

Zahra Abdulahian <sup>1</sup>  
Majid Ghadami <sup>2\*</sup>  
Reza Kachoian <sup>3</sup>

### How to cite this article

Zahra Abdulahian, Majid Ghadami, Reza Kachoian, Explaining a Model of "Philosophy for Children" to Teach Critical Thinking in the Framework of Islamic Education, Journal of Quran and Medicine. 2023;8(1):42-49.

1. PhD student, Department of Philosophy of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Faculty Member, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: Drghadami50@gmail.com

### Article History

Received: 2023/02/14  
Accepted: 2023/04/08

## ABSTRACT

Teaching philosophy to children is one of the insightful methods of rational education; However, due to the emphasis of some contemporary Western philosophers on the use of this method and considering the range of philosophy from non-religious to Islamic, there is a need for an independent investigation of this method. The method of this research is "qualitative" with the "grounded theory" approach and using the data obtained from the interview with the statistical population of the research, which is the experts of managers and experts in the field of philosophy education, and 15 people were selected as the sample size. The final model deduced from the data of the interviews shows that based on this model, teaching philosophy is a successful method in teaching thinking and has an effect on responsibility and the ability to respond effectively and make appropriate decisions in different conditions and situations. In other words, a person's ability to examine and understand the mental states of others is related to reasoning about the reasons for these states and the ability to predict their behavior, and it follows the inference process from the theory of mind, and the final conclusion is that teaching philosophy for children and teaching thinking Through participatory research, philosophy provides children with an opportunity in which they gain a better understanding of their unknowns, actively participate in discovering answers, and gain more self-confidence by gaining the pleasure of knowing. Keywords: Philosophy for children, adolescent education, responsibility, participatory method in Islamic education and training

**Keywords:** Philosophy for children, youth education, responsibility, participatory method in Islamic education and training

## تبیین مدلی از «فلسفه برای کودکان» جهت آموزش

## تفکر انتقادی در چارچوب تربیت اسلامی

زهرا عبدالهیان<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مجید قدمی<sup>۲\*</sup>

دانشیار، عضو هیات علمی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رضا کچوئیان<sup>۳</sup>

استادیار، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## چکیده

آموزش فلسفه برای کودکان، یکی از روش‌های بینشی تربیت عقلانی است؛ اما با توجه به تأکید برخی از فیلسوفان غربی معاصر بر استفاده از این روش و با عنایت به گستره دایره فلسفه از غیرمذهبی تا اسلامی نیاز به بررسی مستقل این روش است. روش این پژوهش «کیفی» با رویکرد «گردند تئوری» و با استفاده از داده‌های حاصل از مصاحبه با جامعه آماری تحقیق که با خبرگان مدیران و صاحب‌نظران امر آموزش فلسفه برای کودکان بوده که تعداد ۱۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده بود. مدل نهایی استنتاج شده از داده‌های مصاحبه‌ها، نشان می‌دهد که براساس این مدل، آموزش فلسفه برای کودکان یک روش موفق در آموزش تفکر انتقادی است و بر توانایی پاسخ دادن مؤثر و تصمیم‌گیریهای مناسب در شرایط و موقعیتهای مختلف تأثیرگذار است. به عبارت دیگر توانایی فرد برای بررسی و درک حالات ذهنی دیگران، با استدلال در مورد چرایی این حالات و توانایی پیش‌بینی رفتار آنان مرتبط است و از فرآیند استنتاج از نظریه ذهن تبعیت میکند. نتیجه‌گیری نهایی اینکه آموزش فلسفه برای کودکان و آموزش تفکر فلسفی به کودکان از طریق پژوهش مشارکتی، موقعیتی برای آنان فراهم میکند که در آن کودکان ضمن دستیابی به درکی بهتر از مجهول‌های خود، در کشف پاسخها مشارکت فعال میکنند و با کسب لذت دانستن، اعتماد به نفس بیشتری می‌یابند.

واژه‌های کلیدی: فلسفه برای کودکان، آموزش کودکان، تفکر انتقادی، روش مشارکتی در آموزش، تربیت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

\*نویسنده مسئول: Drghadami50@gmail.com

## مقدمه

برای حرکت در جهت کاربردی کردن «فلسفه برای کودکان»، آموزش تفکر انتقادی برای کودکان و نوجوانان شاید تازه‌ترین و بزرگ‌ترین گامی است که با هدف تقویت و بالابردن مهارت استدلال، داوری و قدرت تمیز برداشته شده است. این برنامه نمونه‌ای روشن از کاربرد فلسفه در تعلیم و تربیت است و هدف آن با سایر برنامه‌های فلسفه کاربردی تفاوت دارد. فلسفه برای کودکان، برنامه‌ای آموزشی است که هدفش پرورش قدرت تفکر و استدلال در کودکان است و روش خود را بر اساس پژوهش‌گروهی (حلقه‌های کندوکاو) پایه‌گذاری کرده و در صدد تربیت انسانهایی متفکر، آگاه و هدفمند است.

در برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان تلاش میشود تا فرد چگونگی یادگیری تطبیق دادن خود با آینده و نحوه شکل‌دهی به آینده را بیاموزد (۱). این برنامه آموزشی، به منزله فعالیت فکری، روشی برای تحقیق است که هر فرد میتواند آن را انجام دهد. این برنامه، به جای اینکه در پی مطرح کردن موضوعات فلسفی به غیر فیلسوفان یا حل مسائل آنها باشد، در پی ایجاد فرصتهایی است که در آنها دانش‌آموزان با فعالیتهای فکری مسائل خود را حل میکنند. در رویکرد فلسفه برای کودکان، آموزش فلسفه به کودک به معنای عام آن، هدف نیست، بلکه این روش کودکان را با فکر کردن، پرسش و پاسخ، کندوکاو و انتقاد آشنا میکند و در ضمن روحیه مسئولیت‌پذیری در آنها به وجود می‌آورد (۲).

با توجه به قرابت شدید رویکرد مشهور آموزش فلسفه برای کودکان با تلقی عمومی و اصطلاحی تربیت عقلانی، همچنین اجرای آن در بیش از پنجاه کشور جهان و توسعه روزافزون آن در کشورهای اسلامی، بررسی دقیق و تعیین نسبت آن با تربیت عقلانی در اسلام نقش مهمی در عرضه و اجرای موفق الگوی اسلامی تربیت عقلانی خواهد داشت. فلسفه برای کودکان بر آفریدن، بیان کردن و احساس کردن به‌عنوان شریان اصلی تمیز و داوری تأکید می‌کند؛ تمرینات منظم و برنامه‌ریزی شده این نوع یادگیری و درک مطلب که در بطن تعلیم و تربیت فلسفی قرار داشته، مشارکت در تحقیق نامیده می‌شود.

سوالی که این نوشتار به دنبال پاسخگویی به آن است عبارت است از: مدل مفهومی جهت آموزش تفکر انتقادی در چارچوب تربیت اسلامی براساس فلسفه برای کودکان چیست؟

## مبانی نظری

اساس برنامه «فلسفه برای کودکان» که در دوره معاصر و توسط «متیو لیپمن»<sup>۲</sup> به‌وجود آمده را رهنمودهای جان دیویی و لیو ویگوتسکی تشکیل داده که بر ضرورت تعلیم تفکر و تأمل ذهنی و نفی آموزش صرف «حفظ کردن» تأکید می‌کردند؛ دیویی تجربه و تفکر را اساس تعلیم و تربیت دانسته و در کتاب «چگونه می‌اندیشیم»، آغازگر اندیشیدن دقیق، منطقی و تأملی را تجربه و وضعیت‌های معین و تردید در آنها معرفی می‌کند؛ به عقیده وی شروع اندیشیدن در شک، ابهام و سرگشتگی یا به اصطلاح، قضاوت

2. Matthew Lipman

1. Philosophy for Children (P4C)

اهداف تعلیم و تربیت در گرو به کارگیری الگوهای تدریس مطلوب است. روشهای مبتنی بر مشارکت دانش آموزان از ضرورت‌های آموزشی است. به عبارت دیگر محتوای مطالب درسی بر درگیری مستقیم دانش آموزان تأکید دارد و آنان را فعال میکند. از این رو باید به دانش آموزان رسم مسأله و بحث و گفتگو را آموخت. برای تحقق بخشیدن به این هدف، باید از «روشهای فعال تدریس»<sup>۲</sup> بهره جست تا دانش آموزان در جریان یادگیری مشارکت فعال داشته باشند.

معرفی الگوی آموزشی لیپمن

از نظر لیپمن برنامه «فلسفه برای کودکان» می‌تواند بهترین و کامل‌ترین رویکرد نسبت به بهبود تفکر کودکان دانسته شود. این جنبش به این نتیجه رسیده بود که بهترین روش برای اجرایی و عملی شدن این برنامه، پیاده‌سازی آن در مهدهای کودک و مدارس و درگیر نمودن کودکان با مباحث فلسفی از طریق داستان است (۸)؛ زیرا داستان‌ها هیجان فراوانی را در کودکان رقم می‌زنند و جذابیت ویژه‌ای دارند. افرادی که داستان‌ها و کتاب‌های درسی این برنامه را می‌نویسند، می‌توانند در صفحه‌ای، معانی، مسائل و روابط فلسفی‌ای را بیان کنند که با ظرافت خاصی پنهان شده‌اند و این معانی توسط کودکان بیرون کشیده می‌شوند (۹). این داستان‌ها باید راجع به کودکانی باشد که در حال اکتشاف فلسفی و منطقی‌اند. غالباً داستان‌های تهیه‌شده در این زمینه در پنج محور اخلاق، مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی، زیبایی‌شناسی و منطق به رشته تحریر درآمده‌اند (۱۰).

در کلاس‌های برنامه **p4c** دانش‌آموزان یک کلاس به همراه معلمشان حلقه‌وار دور هم می‌نشینند و در این حلقه کسندوکاو با یکدیگر به مباحثه می‌پردازند. گام بعدی نوع خواندن داستان در کلاس است؛ بدین نحو که شاگردان قسمت تعیین‌شده از کتاب‌های درسی‌شان را با صدای بلند می‌خوانند. مهم‌ترین بخش کلاس، طرح پرسش درباره داستان و مباحثه دانش‌آموزان درباره آن است. آنان شروع به پیش بردن بحث و پاسخ دادن به پرسش‌ها و مطرح کردن پرسش‌های جدید می‌کنند. این روشی است که فکر آنها را برمی‌انگیزد و تا وقتی قابلیت نقادی و خودانتقادی را در آنها پدید نیاورد، آرام نمی‌گیرد (۱۱).

در این برنامه بر ضرورت تعلیم مفهوم‌سازی، استدلال، داوری، تفکر و تأمل تأکید می‌شود و از محوریت قرار دادن تقویت حافظه، آموزش علوم سابق و از پیش تعین شده نفی می‌شود و تلاش می‌شود افراد از کودکی شهروند و دانشمند بودن را تمرین کنند، نه اینکه تنها حاصل کار دانشمندان گذشته (قوانین مدنی، اخلاقی، و علمی) را به حافظه بسپارند (۱۲) و از این طریق، کودکان را هدایت می‌کنند تا به شهروندانی در نظام دموکراسی تبدیل شوند (لیپمن ۱۳).

زمینه لازم برای بروز تفکر خلاق

«استتبرگ» معتقد است امکان ندارد ما بتوانیم توانایی‌های فکری بشر را بدون توجه به زمینه و شرایطی که در آن عمل می‌کند، تحلیل کنیم. وی از جمله کسانی است که ارتباط تفکر و هوش را

معلق و تردید سالم در یک پدیده است؛ (۳). بنابراین از نظر او وجود یک پرسش برای بر هم زدن آرامش و جرقه تولید دانش در آغاز اندیشیدن ضروری است (۴). برای کودکان کافی نیست فقط آنچه را که به آنها گفته می‌شود به حافظه سپرده و سپس به یاد بیاورند، بلکه آنها باید موضوع موردنظر را آزموده و تجزیه و تحلیل کنند؛ همان‌طور که فرایند اندیشیدن، پردازش اموری است که کودکان درباره جهان و از طریق حواسشان یاد می‌گیرند، همان‌طور نیز کودکان باید عادت داده شوند که درباره آنچه در مدرسه یاد می‌گیرند، بیاندیشند و آموزه‌های علمی را دست‌مایه اندیشه‌ورزی قرار دهند؛ حفظ کردن مطالب، یک مهارت ذهنی کم‌ارزش و سطح پایین است؛ به کودکان باید مفهوم‌سازی، داوری، تمیز امور از یکدیگر، استدلال و اموری از این قبیل را یاد داد.

این رویکرد را می‌توان به عنوان رویکرد مشهور در آموزش فلسفه برای کودکان با تلقی رایج از تربیت فکری و عقلانی که بر اساس مبانی فلسفی آن در غرب به معنای «تربیت ذهنی محدود و ابزاری» است، مشابه دانست (۵). پس از تأکیدات سقراط، افلاطون و ارسطو بر تربیت عقلانی به معنای رایج در دوران قدیم و تأکیدات جان دیویی بر تربیت عقلانی محدود و مقید به عقلانیت ابزاری در دوران جدید، متیو لیپمن را می‌توان مؤثرترین فیلسوف معاصر در بازخوانی رویکرد غربی تفکرآموزی و ترویج آن در مراکز آموزشی کشورهای مختلف دانست.

برنامه فلسفه برای کودکان به عنوان ابزاری برای آموزش فلسفه و اندیشه فلسفی طراحی شده و مستقل از سایر عناوین درسی ارائه می‌شود؛ البته از روش‌هایی که در آن به کار گرفته می‌شود، می‌توان در آموزش سایر عناوین درسی بهره برد؛ چنانکه یکی از هدف‌های این برنامه، تکمیل رویکرد تربیتی دانش‌آموز محور و ارائه ابزاری مناسب برای رسیدن به نتایج آموزشی مربوط به رشته تحصیلی دانش‌آموز است؛ ولی به هیچ وجه نباید آن را برنامه‌ای جنبی و تنها در خلال سایر درس‌ها دانست (۶).

برای انجام این پروژه، هم به معلمان کارکننده و کارآموزده و هم به متون درسی مناسب نیاز است؛ به‌همین دلیل لیپمن و همکاران او در ارائه طرح فلسفه برای کودکان که با عنوان **(Philosophy for children)** و علامت اختصاری **(P4C)** یا (فبک) شناخته می‌شود، غیر از کتاب‌های راهنمای معلمان، به تدوین کتاب‌های مفیدی به عنوان متن درسی برای این نوع کلاس‌ها اقدام نمودند. در اجرای این برنامه، متن‌های آموزشی از اهمیت خاصی برخوردارند؛ این متون باید از تنوع و تناسب با سطح فکری دانش‌آموزان برخوردار بوده و هر بخش از آنها یک نکته کلیدی و اصلی فلسفی داشته باشد که در درس‌های بعدی همان نکته به شکلی دقیق‌تر مورد توجه قرار گرفته، مطالب جدیدتری نیز اضافه و در پایان هر درس، مجموعه متنوعی از تمرین و پرسش‌ها مطرح شود (۷).

لیپمن در سال ۱۹۷۴ با مطرح کردن برنامه فلسفه برای کودکان و با بهره‌گیری از روش «پژوهش مشارکتی»<sup>۱</sup> ثابت کرد که تحقق

<sup>۱</sup> . Community of inquiry

<sup>۲</sup> . Active methods for teaching

واقع کمتر شده و در عوض وابستگی آن‌ها به مهارت و توانایی سازمان دهی و پردازش اطلاعات بیشتر میشود. این مهارت‌های مربوط به سطوح عالی تر تفکر، بایستی در مدارس آموزش داده شوند؛ بنابراین نیاز ما در عصر اطلاعات بیش از آن که به حجم اطلاعات باشد مربوط به تناسب اطلاعات و مهارت‌های ذکر شده است که این مهارت‌ها مستلزم داشتن ذهنی فلسفی است. لیپمن طی تحقیقات متعدد متوجه شده است این برنامه تأثیرات معناداری بر روی رشد و پرورش مهارت‌های تفکر، قوه استدلال و قضاوت صحیح کودکان دارد. در حال حاضر جوامع صرفاً به یک دانشمند خوب نیاز ندارند بلکه به یک شهروند خوب در یک جامعه دموکراتیک هم نیاز دارند. با برنامه آموزش فلسفه برای کودکان شهروندانی را میتوان پرورش داد که نقاد و خلاق هستند و این‌ها مستلزم تعقل و قضاوت است و این مهم از طریق آموزش فلسفه امکان پذیر خواهد شد. این برنامه آموزشی، به منزله فعالیتی فکری، روشی برای تحقیق است که هر فردی میتواند آن را انجام دهد. این برنامه، به جای اینکه در پی مطرح کردن موضوعات فلسفی به غیر فیلسوفان یا حل مسائل آن‌ها باشد، به دنبال ایجاد فرصت‌هایی است که در آن‌ها دانش‌آموزان با کارهای فکری مسائل خود را حل کنند. در رویکرد فلسفه برای کودکان، آموزش فلسفه، به معنای عام آن، برای کودک هدف نیست، بلکه این روش کودکان را با فکر کردن، پرسش و پاسخ، کندوکاو و انتقاد آشنا میکند و در ضمن روحیه مسئولیت‌پذیری و همدلی را در آن‌ها به وجود می‌آورد (۱۸). فلسفه برای کودکان باهدف ایجاد اجتماع پژوهشی به منظور تسهیل مهارت‌های حل مسئله و تفکر از طریق پرسشگری، ابراز عقیده، ساخت و ارزیابی استدلال و جستجو برای راه حل از طریق مسائل فلسفی و ساخت معنا با تأکید بر خطاپذیری، تأمل و همدلی است (۱۹). همچنین هدف فلسفه برای کودکان آموزش مفاهیم ساده شده کلاسیک فلسفی نیست، بلکه هدف آن پرسش، سازگاری و تفکر کردن است (۲۰). کودکانی که آموزش فلسفه دیده اند، می‌توانند خودشان و جهان را در یک چشم انداز جدید ببینند. آن‌ها می‌توانند ایده‌هایی را از دیگران دریافت کنند که ممکن است خطوط آن‌ها به ذهنشان غیرممکن باشد، بنابراین فلسفه، فقط یادگیری ایده‌ها و نظریه‌های فلسفی نیست، بلکه هرکسی باید مفاهیم ذهنی را به تجارب دیداری منتقل کند. در این برنامه، معلمان باید قادر به هدایت بحث‌های فلسفی و گفتگوی دانش‌آموزان در کلاس باشند (۲۱). پژوهش‌های متعددی در زمینه اثربخشی برنامه فلسفه برای کودکان صورت پذیرفته است. در این راستا اسماعیل زاده، الله کرمی و موسوی در پژوهش اثربخشی چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک (P4C) بر حل مسئله دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی به این نتیجه رسیدند که اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک بر حل مسئله و مؤلفه‌های آن (اعتماد به حل مسائل، گرایش - اجتناب و کنترل شخصی) در بین دانش‌آموزان ابتدایی اثرگذار است.

3. Synectics

با دنیای درونی، تجربه و دنیای بیرونی مورد بحث قرار داده است. میزان دستیابی به تفکر خلاق (خلاقیت) و موفقیت در رسیدن به این شیوه تفکر به نحوه بهره‌گیری از ذهن بستگی دارد. شما باید بتوانید ذهن خود را برای خلاقیت آسوده نگه دارید (۱۴). در تخصیص اوقاتی برای تفکر خلاق برنامه‌ریزی کنید و یک محیط خلاق به وجود آورید؛ مثلاً به منظور اداره یک جلسه حل خلاق مسأله، جو و فرهنگ سازمانی باید به گونه‌ای باشد که نوآوری و تفکر خلاق را ترغیب کند. این امر با تمهید شرایط (یا همان زمینه لازم برای تفکر خلاق) محقق می‌گردد. (۱۵).

فلسفه برای کودکان و روش مشارکتی آموزش شایان ذکر است که روش‌های یادگیری مشارکتی، به سبب مشارکت و درگیری فعال دانش‌آموزان در جریان آموزش، از انواع روش‌های فعال به شمار می‌آیند، اما آنچه این روش‌ها را از روش‌های فعال متمایز می‌کند، همکاری و همفکری چند دانش‌آموز برای دستیابی به هدف است.

امکان دارد روش فعال میان معلم و دانش‌آموز به کار گرفته شود، اما روش‌های یادگیری مشارکتی به صورت گروهی است و در آن منافع گروه اهمیت بسیار دارد. از آنجا که اهداف روش یادگیری مشارکتی و فعال یکی است، بنابراین این دو روش معمولاً تحت یک عنوان مطرح میشوند (۱۶).

از جمله روش‌های پژوهش مشارکتی، روش بارش مغزی یا «بارش فکری»، «روش استقرایی»<sup>۱</sup> و «روش بدیعه پردازی»<sup>۲</sup> است. ویژگی‌های آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از روش پژوهش مشارکتی عبارت‌اند از:

۱. فراگیران در روش‌های پژوهش مشارکتی روش‌های یادگیری را میدانند، بنابراین خود در فرآیند آموزش، به برنامه‌ریزی و اجرا و ارزشیابی آنها می‌پردازند. کار معلم تسهیل فرآیند یادگیری و راهنمایی دانش‌آموزان است ۲. فراگیر و معلم هر دو مسئول‌اند. ۳. مهارت‌هایی چون اندیشیدن، حل مسأله، تفکر و خلاقیت اهمیت ویژه دارند.

۴. بر اعتماد به نفس و حس مسئولیت‌پذیری فراگیران افزوده میشود.

۵. روحیه کاوشگری و تفحص در افراد تقویت میشود.

هدف برنامه P4C این نیست که موضوعات فلسفی را برای افراد غیر فیلسوف روشن و مسائل آن را حل کند، بلکه میخواهد به دانش‌آموزان کمک کند تا خودشان کار فکری انجام دهند و مسائل خود را حل کنند (۱۷). در این برنامه، با در نظر گرفتن این واقعیت که رشد مهارت‌های تفکر در دوران بزرگسالی سخت تر از دوران کودکی است، به همان نحو که آموزش ریاضیات از دوران کودکی شروع میشود، آموزش تفکر نیز از خردسالی آغاز میشود.

جانس ضرورت به کارگیری برنامه آموزش فلسفه برای کودکان را چنین تبیین میکند: همان‌طور که جهان از عصر صنعتی به عصر اطلاعات قدم مینهد وابستگی مردم به مهارت‌های ناظر به امور

1. Brainstorming

2. Inductive thinking

اطمینان اند. نسبت به ساختار اجتماعی بزرگ تر احساس تعهد دارند و اگر چه لزوما رهبر نیستند، اما درستکارند و به عهد خود وفا میکنند. از نظر گاف افراد جامعه ستیز، افراد مسئولی نیستند، چون مدام متوجه نیازهای خود هستند، اما افرادی که دارای مشاغل هستند که مستلزم رفتار مسئولانه و توأم با وظیفه شناسی است، افرادی مسئولیت پذیرند. گاف معتقد است که فرد مسئول به ارزشهای اجتماعی، اخلاقی و مدنی پایبند است. گلاسر در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که افرادی که هویت آشفته دارند از خود حالتی مانند ضعف و مسئولیت ناپذیری و بی اعتمادی نشان میدهند. بر اساس شواهد موجود این پژوهش کوششی در پاسخ به این پرسش است که آیا آموزش فلسفه برای کودکان به شیوه پژوهش مشارکتی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان مؤثر است؟

#### مواد و روش ها

روش کیفی به کار رفته در این تحقیق، روش «گراند تئوری»<sup>۵</sup> با رویکرد «اکتشافی» و با ارائه سوال تحقیق و بدون فرضیه برای جمع آوری داده‌ها است. علت انتخاب رویکرد کیفی اکتشافی، تلاش برای دستیابی بدون «پیش‌داوری»<sup>۶</sup> است به عبارت دیگر از دل داده‌های به دست آمده به نتیجه‌گیری نهایی رسیده و از تحمیل ایده، فرضیه و نظریه ای به تحقیق خودداری شده است. برای گردآوری اطلاعات در این بخش از تحقیق، از تکنیک مصاحبه و روش «گراند تئوری» با استفاده از نرم افزار MAXQDA استفاده گردید.

روش های جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت انجام پذیرفت که به ترتیب عبارت است از:

الف) مصاحبه با خبرگان، صاحب‌نظران، اندیشمندان، مدیران اجرایی و سیاستگذاران حوزه آموزش  
ب) اطلاعات موجود (کتابخانه، مجلات و ژورنالها فارسی و انگلیسی و منابع آرشیوی).

به منظور اجرایی شدن بخش الف روش های جمع‌آوری اطلاعات، تجارب و نظرات تعداد ۱۵ نفر از خبرگان، صاحب‌نظران، اندیشمندان، مدیران اجرایی و سیاستگذاران حوزه آموزش انتخاب شد.

#### یافته ها

مدلی مفهومی ذیل بر اساس کدگذاری مصاحبه‌ها با نرم‌افزار MAXQDA استخراج شده است. کدگذاری داده‌ها در سه مرحله «کدگذاری باز»، «کدگذاری انتخابی» و «کدگذاری محوری» صورت گرفت. تم‌های مشترک استخراج شده در سه گزینه مشترک که شامل شش گزاره از مجموع «اهداف فبک» و «مبانی فلسفی تربیت اسلامی» است، به عنوان راهبرد عملیاتی مطلوب آموزش

«دی ماسی و سانتی»<sup>۱</sup> در پژوهشی با عنوان یادگیری تفکر آزادمنشانه (دموکراتیک) با استفاده از آموزش فلسفه برای کودکان به این نتیجه رسیدند که با استفاده از این برنامه، دانش آموزان قادر به اندیشیدن به سبک آزادمنشانه در فرایند تصمیم‌گیری هستند و از طریق این آموزش آنان، میتوانند تفکر پیچیده در خود را بهبود بخشند. «مورس»<sup>۲</sup> در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر روی شکل‌گیری کودک ایده آل فیلسوف، انجام گرفت به این نتیجه رسید که آموزش فلسفه برای کودکان میتواند در شکل‌گیری تفکر و همدلی در کودکان مؤثر باشد و همچنین این برنامه آموزشی در کمک به مریدان در آموزش‌های خود نیز میتواند بسیار مؤثر باشد. برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان در مقطع دبستان و پیش از دبستان که امکان شکل‌دهی شناختی، هیجانی و رفتاری در کودکان بیشتر است، میتواند مورد توجه زیادی قرار گیرد. با توجه به پیشینه نتایج این برنامه، میتواند سهم بسزایی در رشد و بالندگی کودکان داشته باشد.

#### مسئولیت‌پذیری

احساس مسئولیت یکی از ویژگیهای شخصیتی انسانهاست که عبارت از قابلیت پذیرش، پاسخگویی و به عهده گرفتن کاری است که از کسی درخواست میشود و فرد حق دارد آن را بپذیرد یا نپذیرد. «سرتو»<sup>۳</sup> (۲۲) معتقد است که مسئولیت‌پذیری تعهد و الزام درونی فرد برای انجام دادن مطلوب فعالیتهاست که بر عهده وی گذاشته میشود. انسانهایی که مداوم از خود میپرسند دنیا چه معنایی دارد، باید متوجه باشند که این زندگی است که از انسان میپرسد چه معنایی به هستی خود میدهد.

انسانها صرفا با مسئول بودن نمیتوانند به زندگی پاسخ دهند. یکی از ویژگیهای فردی انسان مسئولیت پذیر بودن اوست. واژه مسئولیت پذیری در عرف به معنای توانایی پاسخ دادن مؤثر و تصمیم‌گیریهای مناسب در شرایط و موقعیتهای گوناگون است. منظور از تصمیم‌گیریهای مناسب آن است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاری که معمولا از او می‌رود، دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر وی شود.

بر اساس نظریه «هریسون گاف»<sup>۴</sup> (۲۳) وظیفه شناسی، مسئولیت‌پذیری، قابلیت اعتماد به نفس، عمل کردن بر اساس نظم، مقررات و اعتماد بر اینکه عقل و دلیل باید بر زندگی مسلط باشد از ویژگیهای شخصیتی نسبتا پایدار فردی و میان - فردی افراد است. او معتقد است که گرچه مسئولیت تا اندازه ای با مردم آمیزی و خویشنداری همبسته است اما باید بر ارزشها و کنترلها تاکید شود که عوامل مشخص و مهمی در زندگی افرادند. فردی که دارای احساس مسئولیتی بالا است، نیاز خود را در راه جمع فدا می‌کند. این قبیل افراد پیامدهای رفتارهای خود را می‌پذیرند و قابل اعتماد و

5. Grounded Theory

6. Prejudice

1. Di Masi & Santi

2. Murriss

3. Serto

4. Harrison Gough

«فبک»، استنتاج شده است که در دایره مرکزی مدل زیر مشخص می باشد:



یاری کرد. فلسفه وجودی این برنامه آموزشی راههای صحیح اندیشیدن به دانش آموزان است. این برنامه ها به دانش آموزان کمک میکنند تا به تدریج برای حل مشکلاتشان تلاش کنند و از فرآیندهای تفکر آگاه شوند. این آگاهی مهم است، چرا که به نظر میرسد دانش آموزان را برای تجدیدنظر در شیوه و محتوای تفکر خود آماده میسازد و با قرار دادن ابعاد گوناگون یک مسئله در برابر دانش آموزان آنها را قادر میسازد که شیوه های قبلی تفکر خود را رها کرده و روشهای جایگزین را که سالم تر و کارآمدترند، برگزینند.

لذا کودکان و نوجوانان براساس سطوح شناختی خودشان قوانینی را که بر تفکر منطقی حاکم است، می آموزند در واقع در این پژوهش هدف آموزش فلسفه برای کودکان محقق شده است، چرا که هدف مورد نظر در این برنامه در استفاده از روش پژوهش مشارکتی این است که کودکان و حتی نوجوانان به انسانهایی متفکرتر، انعطاف پذیرتر و منطقی تر تبدیل شوند.

سخن پایانی اینکه آموزش فلسفه برای کودکان و آموزش تفکر فلسفی از طریق پژوهش مشارکتی، موقعیتی برای کودکان فراهم میکند که در آن، ضمن دستیابی به درکی بهتر از مجهولهای خود، در کشف پاسخها مشارکت فعال داشته باشند و با کسب لذت

توصیف مدل مفهومی

براساس این مدل، آموزش فلسفه برای کودکان یک روش موفق در آموزش تفکر است و بر مسئولیت پذیری و توانایی پاسخ دادن مؤثر و تصمیم گیریهای مناسب در شرایط و موقعیت های مختلف تاثیرگذار است. به عبارت دیگر توانایی فرد برای بررسی و درک حالات ذهنی دیگران، با استدلال در مورد چرایی این حالات و توانایی پیش بینی رفتار آنان مرتبط است و از فرآیند استنتاج از نظریه ذهن تبعیت میکند. این نتیجه با نتایج تحقیقات زندن و گلاسر و فودور<sup>۱</sup> همسو است. براساس نتایج پژوهش حاضر و پژوهشهای پیشین که با یکدیگر همسو هستند، میتوان بر اهمیت آموزش فلسفه برای کودکان و حتی در دوره نوجوانی تاکید کرد.

نتیجه گیری

همان گونه که دوره نوجوانی به سبب بروز مسائل خاص، گاهی با نوعی سردرگمی همراه است با کاهش عزت نفس، با خود کم بینی و خودپنداریهای منفی و عدم پذیرش مسئولیت همراه است که سبب کاهش فعالیتهای طبیعی و تعاملات اجتماعی میشود. لذا با آموزش فلسفه برای کودکان و نیز نوجوانان و ارتقای مسئولیت پذیری، میتوان کودکان و نوجوانان را برای یک زندگی مطلوب

<sup>1</sup> . Fodor

education. Thirty-second period. Number 1. Autumn.

6. Jahani, Jafar (1386). Investigating the effects of teaching philosophy to children on the development of students' moral character. Winter, period (2). Number (7). 59-37.

7. Hossein-pour Mohammad, Darvishi, Taibeh and Sudani, Mansour (2008). The effectiveness of taking responsibility training in Glaser's reality therapy method on reducing students' identity crisis. *New findings in psychology (social psychology)*. Winter, 5, (13). 97-106.

8. Ranjbarniazi, Soraya, Mashaikh, Maryam and Zam, Fatemeh (2019). Students' responsibility, parenting style and family functioning. Publisher: Alam Mashaikh.

9. Sattari, Ali. (2013). Criticism of Philosophical Foundations of Philosophy for Children, Qom: Hozva and University Research Center.

10. Sadeghi Hashimabadi, Mohammad and Alavi, Seyyed Mohammad Kazem (2013). Philosophy for children. Islam and educational researches of the sixth year of autumn and winter, number 2 (consecutive 12).

11. Sabbagh Hassanzadeh, Talat. (1394). Designing a philosophy teaching curriculum model for children in elementary school based on Islamic education. Specialized Doctoral Dissertation, Allameh Tabatabayi University (RA).

12. Shabani Varki, Bakhtiyar. (2012). meta-analytical approaches to religious education theories; Ferdowsi University Faculty of Theology Journal, No. 42.

13. Fazli Khani, Manouchehr. (1382). A practical guide to participatory and active methods in the teaching process. Tehran: New Education Publishing.

14. Qabadian, Muslim (2017). The effect of the philosophy program for children on

دانستن ، اعتماد به نفس بیشتری بدست می آورند. فراهم کردن چنین فرصتی با بهره گیری از روش پژوهش مشارکتی و پرسشگری گروهی که با بحث و گفتگو همراه است نه تنها برای درک عقاید دیگران، بلکه برای کشف و ابداع عقاید و ایده های نو و روشن کردن ارزش بازنمایی و بحث خوداصلاح گری به منظور بالابردن فهم و حل مشکلات آتی آنان مفید خواهد بود. همچنین با استفاده از روش گفتگو و فن پرسشگری در پژوهش مشارکتی، کودکان و حتی نوجوانان می آموزند به عقاید و اندیشه های دیگران احترام گذاشته و در عین حال به تفکر درباره عملکرد، سخن و کردارشان تشویق شوند.

## References

1. Marashi, Mansour; Real, Jamal; Bonabi Ghalini, Zahra and Bashlideh, Kiyomarth. (1386). Investigating the effect of the research community method on the development of reasoning skills in third grade female middle school students. *Curriculum Studies Quarterly*, 2 (7). 122-95.

2. Aghazadeh, Muharram. (2008). Model of creative thinking and ways to achieve creativity, *Journal of Education and Training*, 17th year, number 5.

3. Esmailzadeh, Timur and Elah Kerami Azadeh and Mousavi, Frank (2017). The effectiveness of multimedia philosophy for children (P4C) on the problem solving of sixth grade elementary students. *Education technology (technology and education)*. Summer, period 12, number 4. 329-338.

4. Javidi Kalate Jafarabadi, Tahera and Akbari, Ahmed. (1388). An analysis of the philosophy curriculum for children and the characteristics of appropriate reading materials in its implementation. National conference of school libraries: dynamization of the educational and participatory system in the teaching and learning process.

5. Jafari-Harandi, Reza and Najafi, Hassan (2018). teaching philosophy to children and teenagers; Current challenges and planning solutions for the future. *Development of Quran and Islamic*

the civic-educational behavior of 9th grade male students of the first district of Khorramabad city. *Thinking and Child*, Research Institute of Humanities and Cultural Studies. Scientific-research biannual, 9th year, 1st issue, spring and summer. 31-52.

15. Sorohi, Parish (2012). *Philosophy for children; Learning to achieve results through dialogue and action*. Shabestan news agency. 11/29/1392

16. Glasser, William. (1384). *Schools without failure*. Simple translation of Hamzeh and Majdeh Hamzeh Tabrizi. Tehran: Ashyan Publishing House

17. Ganji, Hamza. (1376). *General psychology*. Tehran: Dana Publishing House, 8th edition.

18. Lippman, Matthew (2008). "Philosophy for children and teenagers, a new approach in the philosophy of education", translated by Saeed Naji, *Farhang Quarterly*, Tehran: Special Philosophy for Children and Teenagers, p. 22, p. 1, serial 69.

19. Marnath, Gary Grath. (1378). *Psychological assessment guide*, second volume. Third edition, translated by Hasan Pasha Sharifi. Tehran: Roshd Publications.

20. Naji Saeed and Qazinejad, Parvaneh (2006). *Examining the results of philosophy program for children on children's reasoning skills and behavioral performance*. *Curriculum studies*. Winter, 2 (7) . 123-150.

21. Bleazby, J. (2011). *Overcoming relativism and absolutism: Dewey's ideals of truth and meaning in philosophy for children*. *Educational philosophy*

22. Fisher, R. (2005). *Teaching children to think*: Nelson Thornes.

Fodor, J.A. (1992). *A theory of the child's theory of mind*. *Cognition*, 44, 283-296.